هواللّه

انگلند

جناب پروفسر ادوارد برون المحترم

هوالله

ای دوست محترم مهربان مدّتی است که بهیچ وجه از آن یار دیرین خبری نرسیده و نور محبّتی ندمیده و گوش انتظار پیامی نشنیده ما ز یاران چشم یاری داشتیم یاد ایّامی که بآوارگان در این سامان سر و سودا داشتی همیشه مذکور و مرکوز وجدان و سبب شادمانی دل و جانست با وجود آنکه رشتهٴ محبّت پیوسته است و الفت قلبیّه باقی و برقرار آیا چه شد که نسیان بر قلب یاران مستولی شد یاد یاران یار را میمون بود اگرچه فسحت و وسعت ایّام آن دوست قدیم را مشغول بمسرّت و شادمانی نموده و بکامرانی واداشته در این صورت یاد آوارگان افتادن آسان نه مگر قوّهٴ کلّیّه‌ئی بمیان آید و مجبور بر تذکّر دوستان قدیم کند

یاد آرید ای مهان زین مرغ زار

یک صباحی در میان مرغزار

 باری مقصود اینست که ما بر الفت قدیم ثابتیم و انشآءاللّه نابت مرور دهور فراموشی نیارد و خاموشی نبخشد همواره بیاد شما مشغولیم و بذکر شما مألوف علی‌الخصوص چون مناسبتی بمیان آید و مؤانستی گردد زیرا موهبت عظیمه‌ئی از حضرت یزدان در حقّ آن یار مهربان شده باید قدر آن را بداند و آن اینست که از مورّخین فرنگستان کسی جز آن جناب بساحت اقدس فائز نگشت و این موهبت تخصیص بشما یافت بسیار باید قدر این بخشش یزدانی و موهبت رحمانی را بدانید هرچند حال معلوم نه ولکن در استقبال نهایت اهمّیّت را پیدا خواهد نمود

 ای یار مهربان این را بدان که این موهبت تاج کرامتی است بر هامهٴ تو که قرون عظیمه مدار مفخرت جمیع منتسبین و خویش و پیوند است تعجّب مفرما قدری در قرون اولی ملاحظه کن که در ایّام حضرت روح مؤانست شب و روز آن حضرت در نزد نفسی اهمّیّت نداشت و الطاف و عنایت او را قدر و وقعی نبود حال سنگی که در حوالی طبریّا یک مرتبه بشرف جلوس جسد مطهّر آن حضرت فائز شد محلّ زیارت و سجود نصف روی زمین است ملاحظه فرما که چه اهمّیّتی پیدا نمود همیشه چنین بوده و خواهد بود که مطالع نور الهی در زمان خود در انظار اهمّیّتی نداشتند و عنایاتشان سبب مفخرت و مسرّت ناس نبود لکن چون انوار شمس حقیقت بر آفاق تابید بتراب اقدام آن نفوس مبارکه ملوک ارض سجده نمودند باری مقصود اینست که این گوهر بخشایش الهی را محفوظ بدار و چون لؤلؤ مکنون در صدف قلب جای و مأوی ده همّتی فرما که روز بروز این درّ یکتای درّی رونق و لطافتش تزاید یابد و در قطب امکان بر اکلیل شرف باذخ بدرخشد عبدالبهآء نهایت حرمت را از این جهة در حقّ آن حضرت ملحوظ داشته و دارد و در بعضی از مکاتیب ذکرش را نموده آنچه از برای تو باقی خواهد ماند اینست پایدار و مادون آن موج سرابست نه آب نمایش است نه بخشایش وهمست نه حقیقت و عنقریب بر آن حضرت نیز این حقیقت آشکار گردد

 خلاصه اگر عزّت ابدیّه جوئی و سلطنت سرمدیّه که صیت بزرگواریت در جهان باقی منتشر گردد و آوازهٴ قدسیّتت تا بملکوت الهی رسد در عبودیّت آستان مقدّس الهیّه سهیم و شریک عبدالبهآء شو و این عالم فانی را بکلّی فراموش فرما از خود بگذر و بحضرت دوست پیوند عبدالبهآء بنهایت خاکساری تضرّع و زاری مینماید که شاید به بندگی درگاه الهی موفّق شود زیرا بندگان حقّ عبودیّت صرفه را اکلیل جلیل خویش دانند و خدمت یاران الهی را مفخرت عظمی شمرند لهذا در این مورد بنگارش این نامه پرداخت از خداوند میطلبم که این بندهٴ گنهکار عبدالبهآء را موفّق بسرور قلب یاران نماید باقی همواره بیادت مسرور و شادمانیم والسّلام

۱ شباط سنهٴ ۱۹۰۱

المشتاق عباس

این سند از [کتابخانهٔ مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/library) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجّه به مقرّرات مندرج در سایت [www.bahai.org/fa/legal](http://www.bahai.org/fa/legal) استفاده نمائید.

آخرین ویراستاری: ١۴ اوت ۲۰۲٣، ساعت ۰۰:۱۱ قبل از ظهر